

بگفته‌ها و یادداشت‌ها

حاکم حسکانی و تفاسیر کهن امامیه

○ محمد کاظم رحمتی

عبدالله بن عبدالله بن احمد بن محمد حسکانی از عالمان جعفر خراسان که نسب از فاتح نیشابور یعنی عبدالله بن عامر بن کبیر می‌باشد اثر برجسته‌ای در حوزه فضایل نگاری از خود باقی گذاشته است. در این اثر شواهدالتزیل لقواعد التفضیل، آیات نازل شده در حق اهل بیت گردآوری شده است.^۱ داستان و علت تألیف کتاب، همانگونه که در آغاز کتاب (ج ۱، ص ۱۹-۲۰) آمده است، نزاع میان بزرگ کرامیان نیشابور با نقیب علویان شهر در مجلس قاضی ابوعلاء صاعدین محمد است.^۲ فرد کرامی در مقام جدل، ضمن انکار نزول سوره هل اتی در شأن اهل بیت، پا را فراتر نهاده و مدعی شده، حتی در شأن علی علیه‌السلام و اهل بیت نیز هیچ آیه‌ای در قرآن نیست. حسکانی در پاسخ به این نکته، کتاب شواهد التزیل را نگاشت.^۳

کتاب حاکم حسکانی در شناخت استادان وی بسیار رهگشاست. به علاوه به دلیل نقل گسترده از متون کهن تفسیری امامیه، مدرکی پرارزش است. این را می‌دانیم که عالمان امامی از قرن اول به بعد، توجه فراوانی به تفسیر نشان دادند و تفاسیر متعددی تألیف کرده‌اند. هرچند بدیهی است که این تفاسیر، شکل روایی داشته و اساساً تفسیر ماثورند. فضل بن حسن طبرسی (متوفی ۵۶۰ ق) در اشاره به تفاسیر امامیه می‌نویسد: «ان أصحابنا رضی الله عنهم لم یدونوا فی ذلک [یعنی نگارش تفاسیر] غیر مختصرات، نقلوا فیها ما وصل الیهم فی ذلک من الاخبار ولم یعنوا بیسط المعانی و کشف الاسرار الا ما جمعه الشیخ الأجل السعید ابوجعفر محمد بن الحسن الطوسی...»^۴ این گفته طبرسی، نشان‌دهنده این حقیقت است که تا قبل از زمان وی، جز تفسیرالتبیین شیخ طوسی (متوفی ۴۶۰ ق) عمده تفاسیر امامیه، مجموعه‌هایی روایی بوده است. از میان تفاسیر متعدد روایی نیز جز تفسیر عیاشی^۵، تفسیر فرات بن ابراهیم کوفی^۶، تفسیر حسین بن حکم جبری^۷ (متوفی ۲۸۶ ق) و تفسیر علی بن ابراهیم قمی^۸ و تفسیر منسوب به امام حسن عسکری علیه‌السلام متن تفسیری مستقلی

باقی نمانده است و نکته‌ای که به کتاب حسکانی، سوای موضوع آن، اهمیت می‌بخشد، همین مطلب است. توضیحات زیر، تذکراتی در این باره است:

۱. تفسیر فرات بن ابراهیم کوفی

حاکم حسکانی در مواردی سلسله اسناد کامل خود را در نقل احادیث ذکر می‌کند ولی در اغلب موارد، اشاره‌وار از مصدر خود یاد کرده است. حسکانی، تفسیر فرات را به روایت ابوبکر عتیق بن محمد مروزی فراء نجار (متوفی ۴۵۷ ق) از ابوالقاسم عبدالرحمان بن محمد بن عبدالرحمان حسینی از فرات بن ابراهیم روایت کرده است (شواهد التزیل، ج ۱، ص ۷۸، ۱۵۱، ۱۸۳، ۳۷۱-۳۷۲، ۴۲۰؛ ج ۲، ص ۴۲۹).

دیگر مواردی که حسکانی از این تفسیر آورده است، تنها با اشاره به نام فرات کوفی یا تفسیر وی است. این موارد چنین است: ج ۱، ص ۵۶، ۷۸، ۱۵۱، ۱۸۳، ۲۰۸، ۲۶۷، ۳۳۶، ۳۴۴، ۳۴۷، ۳۵۸، ۳۶۶، ۳۷۰، ۳۷۲، ۴۲۵، ۴۲۹، ۴۳۰، ۴۳۱، ۴۵۶، ۴۷۲، ۴۹۴، ۴۹۶، ۵۲۲، ۵۲۴، ۵۲۹، ۵۳۵، ۵۳۷، ۵۵۲، ۵۵۸، ۵۶۹، ۵۸۳؛ ج ۲، ص ۲۲۰، ۲۶۵، ۲۹۹، ۳۰۸، ۳۴۰، ۳۵۲، ۳۵۵، ۳۷۸، ۳۸۵-۳۸۶، ۳۹۰، ۳۹۷، ۴۱۷، ۴۲۰، ۴۲۹، ۴۳۱-۴۳۲، ۴۴۶، ۴۴۹، ۴۶۵، ۴۷۲.

۲. تفسیر محمد بن مسعود عیاشی

تفسیر عیاشی را ابوالقاسم عبدالرحمان بن محمد حسنی برای حاکم از مؤلف روایت کرده است (ج ۲، ص ۴۲۶). موارد نقل شده از این تفسیر چنین است: ج ۱، ص ۳۸، ۱۳۴، ۱۷۳، ۱۷۸، ۱۸۳-۱۸۴، ۱۸۷، ۱۹۱، ۲۲۳، ۲۶۸، ۳۵۱، ۳۵۶، ۴۲۲، ۴۸۰، ۵۵۸؛ ج ۲، ص ۱۶۰، ۲۳۳، ۲۷۰، ۴۲۶.

۳. تفسیر حسین بن حکم جبری

از این تفسیر، حسکانی، گاه به نحو مستقیم، گاه به واسطه تفسیر فرات بن ابراهیم کوفی یا از تفسیر ابوبکر محمد بن حسین سبعی نقل قول کرده است. از تفسیر سبعی به چند طریق مستقیم و به واسطه

نقل قول شده است. اسناد این روایات چنین است:

(الف) و قال ابوبکر [السیبی قال] حدثنی الحسن بن ابراهیم بن الحسن الجصاص قال حدثنا حسین بن حکم و هو الحبری (ج ۱، ص ۵۹).

(ب) قری [یعنی حسکانی بر] علی ابی محمدالحسن بن علی بن محمد الجوهری (۳۶۳-۴۵۴ ق؛ درباره وی ر. ک: خطیب بغدادی، تاریخ بغداد، ج ۷، ص ۲۹۳) فی درب الزعفرانی ببغداد [محل سکونت جوهری] من أصله فأقر به و زعم بعض السادة أنه أجاز لی الروایة عنه أبی قال: أخبرنا أبو عبدالله محمد بن عمران بن موسی بن عبیدالله المرزبانی قراءة علیه فی شعبان ۳۸۱ قال أخبرنا ابوالحسن علی بن محمد بن عبیدالحافظ قراءة علیه فی قطیعة جعفر علی باب داره فی ذی الحجة ۳۲۸ قال حدثنی الحسن بن حکم الحبری (ج ۱، ص ۶۱).

(ج) حدثنا عن القاضي أبي الحسين محمد بن عثمان بن الحسن بن عبدالله النصبی ببغداد قال حدثنا ابوبکر محمد بن الحسن بن صالح السیبی بحلب قال حدثنا أبو الطیب علی بن محمد بن مخلد الدهان ببغداد و أبو عبدالله الحسن بن ابراهیم بن الحسن الجصاص بالكوفة قالا حدثنا الحسن بن حکم... الحبری (ج ۱، ص ۹۶، ۱۱۱).

(د) این طریق به روایت حاکم نیشابوری (متوفی ۴۰۵ ق) است: أخبرنا الحاکم أبو عبدالله الحافظ قراءة علیه و املاءً قال أخبرنا أبو الحسن علی بن عبدالرحمن بن مانی الدهقان (متوفی ۳۴۷؛ درباره وی ر. ک: تذکرة الحفاظ، ج ۳، ص ۸۹۸؛ تاریخ بغداد، ج ۱۲، ص ۳۲) بالكوفة من أصل كتابه قال حدثنا الحسن بن حکم الحبری (ج ۱، ص ۱۵۹، ۲۵۱).

۴. کتاب التفسیر؛ اثری گمشده از ابوالاحمد جلودی

ابوالاحمد عبدالعزیز بن یحیی بن احمد بن عیسی جلودی بصری ازدی (متوفی ۳۳۲ ق)، شیخ امامیه در بصره و از اخباریان (راویان اخبار و حوادث تاریخی) یکی از چهره‌های گمنام در تاریخ امامیه است. در منابع رجالی امامیه چون کتاب الرجال نجاشی (ص ۲۴۰-۲۴۴)، الرجال شیخ طوسی (ص ۴۳۵)، الفهرست شیخ طوسی (ص ۱۱۹) و علامه حلی (ص ۱۱۶ کتاب رجال (خلاصة الاقوال) به نقل از نجاشی) اشارات کوتاهی به زندگی وی و فهرست آثار وی آمده است. نیای وی، عیسی جلودی، از اصحاب امام باقر علیه السلام بوده است. ظاهراً جلود نام روستایی است؛ هرچند برخی نیز گفته‌اند که جلود یکی از بطون تیره ازد بوده است. نجاشی ضمن اشاره به این دو وجه تسمیه برای نام جلود، مورد دوم را نزد نسایان ناآشنا دانسته است (ص ۲۴۰).

در میان تألیفات قرآنی جلودی، این آثار ذکر شده است: کتاب منازل فی الخمسة علیهم السلام؛ کتاب التفسیر عنه (یعنی از امام علی علیه السلام)؛ کتاب منازل فیہ من القرآن (درباره علی علیه السلام)؛ کتاب التنزیل عنه (از ابن عباس)؛ کتاب التفسیر عنه (از ابن عباس)؛ کتاب تفسیره عن الصحابة (از ابن عباس).

نجاشی بعد از ذکر فهرست آثار جلودی می‌نویسد: «هذه جملة كتب أبي احمد الجلودي التي رأيتها في الفهرستات و قد رأيت بعضها» (ص ۲۴۴). براساس این گفته اغلب آثار جلودی تا زمان نجاشی (متوفی ۴۵۰ ق) موجود بوده است.^{۳۳}

در کتاب حسکانی روایات‌های فراوانی از جلودی با یک سلسله سند نقل شده است. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که حاکم حسکانی، کتابی از جلودی در دست داشته و از آن کتاب روایات‌هایی از جلودی نقل کرده است. این اسناد با اندکی تفاوت چنین است:

(الف) «أخبرنا أبو عبدالله الشيرازي قال أخبرنا أبو بكر الجرجاني قال أخبرنا أبو احمد البصري...»

مواردی که به این سلسله سند نقل شده، چنین است: شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۴۶، ۵۳، ۷۱-۷۲، ۱۳۰، ۱۴۱، ۱۵۳، ۱۷۶، ۱۸۹، ۲۰۱، ۲۶۷، ۲۸۵، ۳۲۷، ۳۵۲، ۳۸۸، ۴۰۶، ۴۳۵، ۴۶۸؛ ج ۲، ص ۵، ۹، ۱۵۲، ۱۶۹، ۱۷۱، ۱۷۶، ۱۸۱، ۱۹۱، ۲۱۷، ۲۳۳، ۲۵۰، ۳۲۱، ۳۴۷، ۳۴۹، ۳۵۴، ۳۵۹ (جمعاً ۳۷ مورد).

(ب) «أخبرنا محمد بن عبدالله بن أحمد الصوفي قال أخبرنا محمد بن أحمد بن محمد الحافظ قال حدثنا عبدالعزيز بن يحيى بن احمد...»

مواردی که با این سلسله سند نقل شده، چنین است: ج ۱، ص ۱۱۹، ۱۶۹، ۱۷۸، ۱۹۸، ۲۳۲، ۳۳۱، ۳۶۰، ۳۹۰، ۴۲۵، ۴۴۶، ۵۱۵، ۵۲۱، ۵۴۸، ۵۶۷، ۵۷۲؛ ج ۲، ص ۱۸۲، ۲۶۵-۲۶۶، ۲۷۰، ۲۸۴، ۲۹۳، ۲۹۸، ۳۰۰، ۳۰۹، ۳۳۵، ۳۳۸ (جمعاً ۲۶ مورد).

پرسشی که مطرح می‌شود درباره هویت افراد راوی از جلودی است. مصحح محترم شواهد التنزیل درباره ابوبکر الجرجانی (درست‌تر جرجانی) چیزی نگفته است.^{۳۴} اما باتوجه به مقایسه این دو سلسله سند نام وی ابوبکر المفید محمد بن احمد بن محمد جرجانی (متوفی ۳۷۸ ق) است.^{۳۵} راوی کتاب جلودی از جرجانی برای حاکم حسکانی، ابوعبدالله محمد بن عبدالله بن احمد صوفی شیرازی (متوفی ۴۲۸ ق) است که مصحح محترم به درستی به نام وی اشاره کرده است.^{۳۶}

پرسش دیگر آن است که حسکانی، از میان شش اثری که در آغاز این نوشتار به آنها اشاره شد، این متقولات را از کدام اثر جلودی نقل کرده است؟ پاسخ دقیقی به این سؤال نمی‌توان داد؛ اما ظاهراً این متقولات از تألیفات جلودی درباره ابن عباس است (موارد ۴ تا ۶).^{۳۷} نقل از این اثر جلودی از غنایم روزگار است و برای تحقیق کامل‌تر درباره این عالم به کار محققان خواهد آمد.^{۳۸}

پی‌نوشت‌ها:

۱. در مورد حاکم حسکانی ر. ک: تذکرة الحفاظ، ج ۳، ص ۱۲۰۰-۱۲۰۱؛ سیر اعلام النبلاء، ج ۱۸، ص ۲۶۸-۲۷۰؛ موارد نقل شده از شواهد التنزیل از چاپ دوم این کتاب به کوشش محمدباقر محمودی (تهران ۱۴۱۱ ق) است.
۲. از دیگر آثار حسکانی، در کتاب شواهد التنزیل به کتاب الارشاد

(ص ۱۳۱-۱۳۲) با همین اسناد، به روایت تفسیر ابوالجارود اشاره کرده است. ظاهراً روایات تفسیری ابوالجارود را ابوالفضل عباس بن محمد بن قاسم بن حمزه ابن موسی بن جعفر به تفسیر قمی افزوده است (آقا بزرگ تهرانی، الذریعه ج ۴، ص ۳۰۳-۳۰۴؛ نیز ر.ک: القمی، ج ۱، ص ۳۹). جعفر بن عبدالله محمدی از استادان بزرگ حدیثی ابن عقده است. نیز ر.ک: نجاشی، کتاب الرجال، ص ۲۰، ۱۲۹، ۱۳۷، ۱۷۰، ۱۹۴، ۲۲۴، ۲۵۲، ۲۸۰، ۳۰۰، ۳۲۲، ۴۱۱، ۴۲۱، ۴۴۳؛ نیز ر.ک: صدوق، الامالی، ص ۵۴. شیخ طوسی در بخش من لم یرو عن الأئمه به نمازگزاردن محمدی بر جنازه محمدین حسین صائغ در سال ۲۶۸ (الرجال، ص ۴۴۱) اشاره کرده است. نعمانی در کتاب الغیبه (ص ۲۷، ۲۰۸، ۳۲۴، نیز ص ۲۱۱) به سماع ابن عقده از اثر مکتوب محمدی در سال ۲۶۹ ظاهراً در کوفه اشاره کرده است. نام محمدی در سلسله روایات شیعی فراوان آمده است. ابن عقده، خطبه‌ای از حضرت امیر در مدینه به روایت محمدی نقل کرده است. الکافی (ج ۸، ص ۶۳-۶۶) بخشی از یکی از خطبه‌های حضرت امیر علیه السلام در فضیلت جهاد را شیخ طوسی در التهذیب (ج ۶، ص ۱۲۳-۱۲۴) نیز آورده است. از مصادر اهل سنت، نام محمدی در چند سلسله حدیث از جمله در تاریخ بغداد (ج ۱، ص ۲۱۳) تاریخ مدینه دمشق (ج ۱، ص ۲۱۳؛ ج ۴۲، ص ۵۰، ۱۴۶، ۴۸۷؛ ج ۶۱، ص ۳۲۴) آمده است. در مدخل ابن عقده، دائرةالمعارف بزرگ اسلامی (ج ۴، ص ۳۱۸-۳۲۰) به این استاد ابن عقده، با وجود کثرت نقل از وی، هیچ اشاره‌ای نشده است. همچنین از روایت تفسیر ابوالجارود توسط ابن عقده به روایت محمدی، نیز سخنی به میان نیامده است. در تفسیر قمی به همان طریقی که نجاشی و طوسی اشاره کرده‌اند، از ابوالجارود روایاتی آمده است (ج ۱، ص ۱۰۲، ۱۹۸، ۲۲۴، ۲۷۱). هرچند ابوالحسن علی بن ابراهیم قمی روایتی از پدرش از صفوان بن یحیی (متوفی ۲۱۰) از ابوالجارود (ج ۱، ص ۱۰۹) و روایتی به روایت پدرش از ظریف بن ناصح از عبدالصمد بن بشیر از ابوالجارود نیز آورده است (ج ۱، ص ۲۰۹). این روایت‌ها، به طرق دیگر متداول این کتاب دلالت دارد. در باقی موارد تنها با عنوان «وفی رواية ابی الجارود» از وی نقل قول شده است. ظاهراً این موارد جملگی به همان اسناد مذکور در رجال نجاشی و طوسی است. ر.ک: تفسیرالقمی، ج ۱، ص ۱۰۵، ۱۰۸، ۱۱۹-۱۲۰، ۱۲۲، ۱۲۷، ۱۳۱، ۱۳۴، ۱۳۷، ۱۵۲، ۱۵۴، ۱۶۲، ۱۸۰، ۱۹۵، ۱۹۷-۱۹۸، ۲۰۱، ۲۰۳-۲۰۴، ۲۱۳، ۲۲۵-۲۲۶، ۲۴۶، ۲۴۹، ۲۷۲، ۲۸۴، ۲۸۶، ۲۸۸، ۲۹۰، ۲۹۲-۲۹۳، ۲۹۹، ۳۰۱، ۳۰۶-۳۰۵، ۳۱۱-۳۱۲، ۳۱۴-۳۱۵، ۳۱۹، ۳۲۱، ۳۲۸-۳۲۹، ۳۳۱، ۳۳۴، ۳۵۷-۳۵۸، ۳۶۰-۳۶۲، ۳۶۵-۳۶۶، ۳۶۸-۳۶۹، ۳۷۲، ۳۷۴، ۳۷۶، ۳۸۲، ۳۸۸-۳۸۹، ۳۹۲؛ ج ۲، ص ۱۷، ۱۹، ۲۱-۲۲، ۲۷، ۲۹، ۳۱، ۳۴، ۴۰، ۴۶-۴۸، ۵۲، ۵۴، ۶۰، ۶۷، ۷۵-۷۶، ۷۸، ۸۷، ۹۱-۹۲، ۹۴-۹۵، ۱۰۰-۱۰۲، ۱۰۸-۱۱۱، ۱۱۳-۱۱۷، ۱۲۲، ۱۲۵، ۱۲۹، ۱۳۲، ۱۴۳، ۱۵۰-۱۵۱، ۱۵۱، ۱۶۱، ۱۶۵-۱۶۶، ۱۶۷، ۱۷۰-۱۷۱، ۱۷۵، ۱۸۸، ۱۹۳-۱۹۴، ۱۹۷، ۲۰۲، ۲۰۴-۲۰۵، ۲۰۸، ۲۱۲، ۲۱۴، ۲۱۷-۲۱۶، ۲۲۱-۲۲۳، ۲۲۷، ۲۳۴، ۲۴۲، ۲۴۸، ۲۵۴، ۲۶۰-۲۶۳، ۲۶۸، ۲۷۸، ۲۶۲، ۲۶۵، ۲۶۷، ۲۷۰-۲۷۲، ۲۷۸، ۲۷۳، ۲۸۳-۲۸۲، ۲۸۸-۲۸۵، ۲۹۸-۲۹۶، ۲۹۳-۲۹۲، ۳۰۱-۳۰۳

الی اثبات نسب الأحفاد (ج ۱، ص ۱۶۶)؛ کتاب دعاء الهداة الی أداء حق الموالاة فی عشرة أجزاء (ج ۱، ص ۲۵۲؛ نیز ر.ک: کتابخانه ابن طاووس، ص ۲۴۵-۲۴۶)؛ کتاب طیب الفطرة فی حب العترة (ج ۱، ص ۳۴۰، ۴۵۰؛ نیز ر.ک: کلبرگ، همان، ص ۵۲۰-۵۲۱)؛ قمع النواصب (ج ۲، ص ۳۶، ۱۲۳)؛ اثبات النفاق لأهل النصب و الشقاق (ج ۱، ص ۵۵۱)؛ و کتاب الحاوی لأعلى المراتق فی سند الروایات (ج ۲، ص ۳۶۱) اشاره کرد که جز چند نقل قول از آنها اثری نیست. رساله‌ای در فضیلت ماه رجب در آخر جلد دوم از حسکانی چاپ شده است.

۳. درباره قاضی صاعد ر.ک: مدخل آل صاعد در دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، ج ۲، ص ۳۹-۴۱. علوی موردبحث ظاهراً ابوالحسن محمدین حسین الحسنی طبری (متوفی ۴۰۱ ق) است. نیز ر.ک: Richard W. Bulliet, The Patricians of Nishapur: A study in Medieval Islamic Social History, Cambridge, 1972, pp. 234-235.

۴. در مورد آثار اهل سنت درباره اهل بیت ر.ک: مرحوم سیدعبدالعزیز طباطبایی، اهل البيت فی المکتبة العربیه.

۵. مجمع‌البیان، ج ۱، ص ۳۳. تفسیر ابوحمزه ثمالی از تفاسیر متداول میان عالمان این دوره است. المنصور بالله در اشاره به این تفسیر می‌نویسد: «... مانسب الی رواية الجمعی یرویه باسناده عن سلیمان بن اسحاق بن داود الجمعی عن عمه عبدربه ابوعمر المهلبي عن ابی حمزة الثمالی و سدیدین حکیم الصیرفی و کثیرین سعید عن ابی جعفر محمدین علی الباقر علیه السلام و هذا التفسیر غیر ما یرویه الناس عن ابی جعفر...» همو، العقدالتمین، نسخه خطی، ص ۵۳. درباره روایات حسکانی از ابوحمزه ثمالی ر.ک: همو، شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۵۸، ۲۹۷، ۴۲۹، ۴۵۶، ۴۶۱، ۴۶۰، ۵۸۱، ۵۸۳؛ ج ۲، ص ۱۵۵، ۳۵۰، ۴۱۷ و ۴۲۰. درباره روایت این کتاب توسط ثعلبی ر.ک: همو، الکشف و البیان، ج ۱، ص ۸۲.

۶. متن موجود این تفسیر از حیث سند مرسل است و این روایات مستند در کتاب شواهد التنزیل بسیار مهم است.

۷. متن این تفسیر نیز مشکل تفسیر عیاشی را دارد.
۸. این تفسیر با دو عنوان مختلف به چاپ رسیده است. بار نخست سیداحمد اشکوری با عنوان مائز من القرآن فی اهل البيت و بار دوم سیدمحمدرضا جلالی با عنوان التفسیر الحبری آن را منتشر کرده‌اند.

۹. تفسیر علی بن ابراهیم قمی، ترکیبی از تفسیر وی و تفسیر ابوالجارود زیاد بن منذر است. نجاشی (ص ۱۷۰) در ضمن آثار ابوالجارود به کتاب تفسیرالقرآن اشاره کرده است. در این تفسیر ابوالجارود، روایات تفسیری از امام باقر(ع) را گردآوری کرده است. نجاشی (همانجا) سلسله سند روایت این کتاب را به روایت جمعی از اصحاب امامیه از احمدین محمدین سعید معروف به ابن عقده (متوفی ۳۳۳) از جعفر بن عبدالله محمدی (زنده در ۲۶۸ ق) از ابوسهل کثیر بن عیاش قطن از ابوالجارود ذکر کرده است. شیخ طوسی نیز در الفهرست

۴۵؛ ج ۶، ص ۸۶؛ السهمی، تاریخ جرجان، ص ۲۵۶. آن گونه که در نسخه کرمانیه آمده است وی در سال ۳۱۷ احتمالاً در بصره این اثر را از جلودی به سماع دریافت کرده است. در نسخه یمنی سال ۳۱۸ ذکر شده است. ر.ک: شواهدالتنزیل، ج ۱، ص ۶۶.

همچنین ر.ک: حسکانی، ج ۱، ص ۱۶۹، ۱۷۸، ۴۰۱، ۵۷۲. سلسله سند ص ۱۹۸ اندکی متفاوت است.

۱۵. شواهدالتنزیل، ج ۱، ص ۴۶، پی‌نوشت ۱. درباره شرح حال این فرد ر.ک: اکمال الکمال، ج ۱، ص ۱۶۶؛ المنتخب من السیاق، ص ۲۶-۲۷؛ سیراعلام النبلاء، ج ۱۷، ص ۵۴۴؛ لسان المیزان، ج ۵، ص ۲۳۰-۲۳۱؛ سمعانی، الانساب، ج ۱، ص ۲۶۷. در مدخل ابن باکویه شیرازی دائرةالمعارف بزرگ اسلامی (ج ۳، ص ۹۱-۹۲) به این مطلب اشاره‌ای نشده است.

۱۶. درباره جلودی تحقیق خاصی انجام نشده است. مهمترین راویان جلودی عبارت‌اند از: ابوالعباس محمدبن ابراهیم بن اسحاق طالقانی، هارون بن موسی تلکبری (متوفی ۳۸۵ ق)، ابوسعید حسن بن عبدالله عسکری (متوفی ۳۸۲ ق) و ابوعبدالله محمدبن احمد صفوانی (زنده به سال ۳۵۲). ابوالعباس طالقانی نیز راوی اصلی روایات جلودی برای شیخ صدوق (متوفی ۳۸۱ ق) است. ر.ک: الشیخ صدوق، الامالی، ص ۲۲۹، ۲۵۶، ۲۷۱، ۴۷۲، ۶۳۰. سماع در بصره به تاریخ ۳۱۷ ق. سلسله سند ص ۳۱۷ (مجلس ۹۲، سه‌شنبه ۹ شعبان ۳۶۸) [افتادگی دارد] و درست آن چنین است: فی‌دارالسید ابی محمد [یحیی بن محمدالمولوی عن] ابراهیم بن اسحاق الطالقانی قال حدثنا ابواحمد - الجلودی بالبصرة سنة ۳۱۷، شیخ صدوق مجالس املاء خود را در نیشابور که از محرم تا شعبان ۳۶۸ (مجالس ۲۷-۹۳) به طول انجامید، در خانه سید ابومحمد یحیی بن محمد علوی بر پا کرده است؛ هموعلى الشرايع، ج ۱، ص ۹، ۱۳۶، ۱۵۳، ۱۶۹، ۱۸۱، ۲۲۹؛ همو کمال‌الدین، ج ۱، ص ۱۵۹، ۱۷۷، ۱۸۹، ج ۲، ص ۵۲۵، ۶۶۹؛ همو، معانی الاخبار، ص ۲۸، ۵۸، ۶۴، ۱۲۲، ۱۲۳، ۲۳۷، ۳۰۹، ۳۶۰؛ همو، التوحید، ص ۷۹-۸۰، همو، الخصال، ص ۵۸۰، ۵۹۲.

در مورد روایت صفوانی از جلودی نیز ر.ک: دلائل الامامة، ص ۳۰، ۴۲-۴۱، ۵۲، ۵۵-۵۷.

نکته دیگر قابل ذکر درباره جلودی استاد بزرگ وی ابوعبدالله محمد بن زکریا جوهری غلابی (متوفی ۲۸۰ ق) است. درباره وی ر.ک: میزان الاعتدال، ج ۳، ص ۵۵۰؛ لسان المیزان، ج ۵، ص ۱۶۸. تذکر یک نکته نیز درباره تصحیح مطلبی در کتاب شواهد التنزیل نیز ضروری است. در ج ۱، ص ۲۳۲ سلسله سندی به این گونه آمده است: «حدثنی أبو الحسن الفارسی قال حدثنی محمد بن [علی] صاحب الفقیه قال...». تصحیح محقق خطاست و متن به همان صورت اصلی درست است یعنی «حدثنا أبو الحسن الفارسی قال حدثنی محمد بن صاحب الفقیه قال...» محمد بن صاحب از عالمان کرمانیه است و اقوال فقهی وی در کتاب التتف فی الفتاوی آمده است.

۴۰۷، ۴۱۰، ۴۱۲، ۴۱۴، ۴۱۹-۴۲۰، ۴۲۲، ۴۲۸، ۴۳۲-۴۳۳.

روایات تفسیری از ابوالجارود در تفسیر فرات کوفی با اسناد مختلفی آمده که ظاهراً برگرفته از مجموعه‌های تدوین شده از اقوال متداول وی در محافل جارودی - امامی کوفیان است. ر.ک: تفسیر فرات الکوفی، ص ۷۷، ۱۱۷، ۱۵۱، ۱۸۲، ۲۴۵، ۲۷۷، ۳۴۷، ۳۶۹، ۵۳۳. تفسیر ابوالجارود یکی از منابع شیخ طوسی در تفسیرالتبیین نیز بوده است. ر.ک: همو التبیین، ج ۲، ص ۱۲۴؛ ج ۳، ص ۵۳، ۱۱۰، ۱۱۲، ۱۴۹، ۲۱۵، ۲۹۰، ۳۰۳، ۳۰۶، ۳۱۰، ۳۲۳، ۴۴۶ و ۴۶۰.

۱۰. درباره تفاسیر کهن امامیه ر.ک:

Meir M.Bar-Asher, Scripture and Exegesis in Early Imami shiism, Brill, Leiden, 1999.

آقا بزرگ تهرانی، الذریعه الی تصانیف الشیعة، ج ۴، ص ۲۳۱-

۳۵۱

۱۱. از مطالب دیگری که شرح حال نگاران امامی درباره جلودی ذکر کرده‌اند، یکی نام مستملی وی در بصره، احمد بن ابراهیم عمی، است (طوسی، الفهرسته ص ۲۰: «کان مستملی ابی احمد الجلودی و اسم کتبه کلها و رواها»؛ نجاشی، ص ۹۶ نیز ر.ک: همان، ص ۱۰۱) و دیگری راوی آثار جلودی در بغداد، ابوعلی احمدبن محمدبن جعفر صولی، است که در سال ۳۵۲ یا ۳۵۳ بعد از وفات جلودی به بغداد رفته است (ابوعلی البصری، صحب الجلودی عمره و قدم بغداد سنة ۳۵۳ و سمع منه الناس؛ الفهرسته ص ۳۲؛ نجاشی، ص ۸۴).

۱۲. آخرین نقل قول مستقیم از جلودی (کتاب الصغین وی) را ابراهیم بن علی کفعمی (متوفی ۹۰۵ ق) در کتاب مصباح (ص ۳۰۱-۳۰۲) آورده است.

۱۳. در تفسیر مجمع‌البیان مواردی منقول از شواهدالتنزیل حسکانی موجود است. راوی کتاب حسکانی علوی به نام ابوالحمد مهدی بن نزار قاینی حسینی است. (ر.ک: مجمع‌البیان، ج ۱، ص ۴۱۷؛ ج ۳، ص ۲۷۴: «وقد حدثنا السیدالعالم ابوالحمد مهدی بن نزار الحسینی قال حدثنا ابوالقاسم عبیدالله بن عبدالله الحسکانی قال اخبرنا ابوعبدالله الشیرازی قال اخبرنا ابوبکر الجرجانی قال حدثنا ابواحمد البصری»؛ ج ۳، ص ۳۶۱-۳۶۲، ۳۸۲؛ ج ۴، ص ۲۵۹، ۲۶۲، ۴۵۳؛ ج ۵، ص ۲۷، ۱۱۳؛ ج ۶، ص ۳۷، ۳۸، ۱۵؛ ج ۶، ص ۲۴۳: «اخبرنا السید ابوالحمد قراءه»؛ ج ۷، ص ۲۰۷، ۴۵: «حدثنا السید ابوالحمد مهدی بن نزار الحسینی قال حدثنا الحاکم ابوالقاسم عبیدالله بن عبدالله الحسکانی قال اخبرنا محمد بن عبدالله بن احمد قال اخبرنا محمد بن احمد بن محمد بن احمد بن محمد قال حدثنا عبدالعزیز بن یحیی بن احمد [الجلودی]؛ ج ۷، ص ۴۱۰؛ ج ۸، ص ۱۳۱-۱۳۲: «و فیما رواه لنا السید ابومحمد الحسینی»؛ ج ۸، ص ۱۴۵، ۱۵۷؛ ج ۸، ص ۱۸۰-۱۸۱، ۳۰۱، ۳۹۸؛ ج ۹، ص ۴۸، ۲۴۴؛ ج ۱۰، ص ۸۰-۸۱، ۸۷، ۱۱۹، ۱۶۸، ۲۱۰-۲۱۱، ۲۹۸، ۴۱۵.

۱۴. درباره وی ر.ک: ابن حجر عسقلانی، لسان المیزان، ج ۵، ص